

بررسی نقش و انگیزه هیأت‌مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت

شکرالله خواجوی*

استاد، بخش حسابداری، دانشگاه شیراز

هاشم ولی پور

دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد، فیروزآباد، ایران

هاشم کاویانی فرد

مری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون، داریون، ایران

چکیده

شرکت‌ها از طریق روش‌های مختلف اجتناب مالیاتی می‌کنند و عوامل بسیاری در اجتناب از مالیات‌ها نقش دارند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر و نقش هیأت‌مدیره شرکت‌ها در اجتناب از مالیات می‌باشد. جهت بررسی تأثیر انگیزه‌های هیأت‌مدیره شرکت‌ها بر اجتناب از مالیات، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ شامل ۶۲۴ شرکت-سال انتخاب گردید و با جمع‌آوری داده‌هایی در ارتباط با متغیرهای پاداش، افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی و ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره شرکت‌ها، تأثیر آن‌ها بر معیارهای اجتناب از مالیات با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و مدل رگرسیون چند متغیره تعیین گردید. نتایج پژوهش نشان داد که افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی بر اجتناب از مالیات تأثیر مثبت معناداری دارد. این موضوع نشان می‌دهد که افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی توسط هیأت‌مدیره به منزله احساس خطر مالیاتی و در نتیجه اجتناب از مالیات می‌باشد. همچنین انگیزه پاداش هیأت‌مدیره نیز تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب از مالیات دارد. ولی در مورد ترکیب جنسیت که تأثیر معناداری بر اجتناب از پرداخت مالیات نداشته است، به آن معنی است که حضور زنان در هیأت‌مدیره از اجتناب در پرداخت مالیات جلوگیری ننموده است. دیگر نتایج حاکی از تأثیر مثبت معنی‌دار اندازه شرکت و تراکم سرمایه‌بری بر اجتناب از مالیات می‌باشد.

واژگان کلیدی: اجتناب از مالیات، افشاء وضعیت نامطمئن مالیاتی، پاداش هیأت‌مدیره، ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره

۱- مقدمه

طی دوره اخیر ادبیات اجتناب از مالیات رشد چشمگیری داشته است و تأثیر عوامل زیادی در داخل شرکت و بیرون از شرکت بر مسئله اجتناب از مالیات مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این عوامل می‌توان به اثر اندازه شرکت (زیمرن^۱، ۱۹۸۳: ۱۲۰، وانگ^۲، ۱۹۹۱: ۱۶۰)، اهرم مالی (استیکنی و مک‌گی^۳، ۱۹۸۲: ۱۲۶)، میزان گزارش اقلام اختیاری مخارج تحقیق و توسعه (هانلون^۴، ۲۰۰۵: ۱۵۵)، انتقال درآمدها، تفاوت‌های قوانین مالیاتی در مناطق مختلف، میزان عملیات برون مرزی شرکت‌ها (رگو^۵، ۲۰۰۳: ۳)، عوامل حاکمیت شرکتی (ویلسون^۶، ۲۰۰۹: ۹۹۰) و ویژگی‌های هیأت‌مدیره (علیانی و زارای^۷، ۲۰۱۲: ۱۴۴) اشاره نمود. نتایج این تحقیقات به‌طور معمول نشان داده‌اند که عوامل اندازه شرکت و اهرم مالی موجب افزایش نرخ مؤثر مالیات و از طرفی افزایش میزان مخارج تحقیق و توسعه و گسترده‌گی عملیات برون مرزی تأثیر معکوسی بر نرخ مؤثر مالیاتی دارند (ویلسون، ۲۰۰۹: ۹۸۵).

این مطالعه به طور خاص ارتباط بین اجتناب مالیات شرکتی و عدم اطمینان گزارش شده از وضعیت مالیات، انگیزه‌های پاداش هیأت‌مدیره و ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره را مورد بررسی قرار می‌دهد. علی‌الخصوص در این پژوهش ارتباط بین گزارش‌دهی موقعیت‌های مالیاتی نامشخص و اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. مالیات شرکت‌ها می‌تواند بر موقعیت مالی، عملکرد مالی، نقدینگی، نتایج عملیاتی و نقدینگی تأثیر منفی داشته باشد. این مطالعه نتایج پژوهش‌های قبلی در مورد تمایل شرکت‌ها به کاهش شدید مالیات‌های خود را گسترش می‌دهد. تحقیقات پیشین یا به‌طور جزئی به نحوه ارتباط حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های پاداش با اجتناب مالیات شرکت پرداخته‌اند و یا نتایج متفاوتی را ارائه داده‌اند. بنابراین، ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ویژگی‌های خاص هیأت‌مدیره مانند انگیزه‌های پاداش و ترکیب جنسیت مورد بررسی قرار گرفت تا این که تعیین گردد، آیا فرصت‌ها، انگیزه‌ها و توانایی‌های مدیریتی موجب تشدید برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی و یا پیشگیری از آن می‌گردد؟ شرکت‌های ایران در سال‌های اخیر به خاطر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی هم‌چون انتقال درآمدها و گزارش بیش از واقع هزینه‌ها تحت نظارت بیشتر سازمان امور مالیاتی قرار گرفته‌اند. لذا این پژوهش به چندین دلیل از اهمیت برخوردار است. اولاً، رابطه بین اجتناب مالیات شرکتی و عدم اطمینان گزارش شده در وضعیت مالیاتی شرکت را مورد بررسی قرار می‌دهد که در مطالعات پیشین داخلی مورد بررسی قرار نگرفته است. دایرننگ و همکاران^۸، (۲۰۱۰) اولین بار تأثیر ویژگی‌های مدیر عامل شرکت‌ها در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌های بزرگ را بررسی نمودند. در واقع، شرکت‌ها به دلیل مشارکت در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی پیچیده و مبهم ممکن است عدم اطمینان مالیاتی را افشا کنند. برنامه‌ریزی مالیاتی پرخطر و تهاجمی^۹ ممکن است عملکرد واقعی شرکت را پنهان سازد و محتوای اطلاعاتی درآمد مشمول مالیات آن را کاهش دهد (تاپلور و ریچاردسون^{۱۰}، ۲۰۱۴: ۲). دوم، این که در این مطالعه برای اولین بار به بررسی رابطه بین اجتناب

مالیاتی و سایر متغیرها مانند پاداش هیأت‌مدیره و ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره پرداخته شده است و سوم این مطالعه، سایر مطالعات انجام شده در مورد اجتناب مالیاتی در ایران را تکمیل می‌کند و بر غنای ادبیات موجود می‌افزاید.

در این پژوهش تأکید خاص بر تأثیر برخی ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر مسأله اجتناب از مالیات می‌باشد. مطالعاتی نیز در این زمینه توسط پژوهشگران مختلف انجام شده است. به‌عنوان مثال لانیس و ریچاردسون^{۱۱} (۲۰۱۱) تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره را بر معافیت مالیاتی شرکت‌های استرالیایی بررسی کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که تعداد بیشتر اعضای هیأت‌مدیره بیرونی احتمال تهاجم مالیاتی را کاهش می‌دهد. همچنین مینیک و نوگا^{۱۲} (۲۰۱۰) نیز با انجام مطالعاتی در این زمینه نشان داده‌اند که شرکت‌های با کم‌ترین میزان هیأت‌مدیره مستقل و بیشترین میزان پاداش به مدیران عامل و هیأت‌مدیره، اجتناب مالیاتی بیشتری انجام می‌دهند. علی‌رغم این مطالعات صورت گرفته، در ایران تاکنون هیچ مطالعه‌ای در زمینه بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر حداقل کردن مالیات شرکت و کاهش بار مالیاتی^{۱۳} صورت نگرفته است، لذا مطالعه این زمینه از تحقیق اهمیت و ضرورت می‌یابد. شواهد ارائه شده نشان می‌دهد که ویژگی‌های هیأت‌مدیره تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌ریزی مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با توجه به اهداف مطرح شده در این پژوهش، سؤال اصلی این پژوهش بدین شکل مطرح می‌گردد که آیا نقش و انگیزه اعضای هیأت‌مدیره مانع اجتناب مالیاتی است یا آن را افزایش می‌دهد؟ این پژوهش با ارائه فرضیه‌هایی در خصوص رابطه افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی، پاداش و ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی و آزمون آن‌ها به دنبال ارائه پاسخ به سؤال مطرح شده می‌باشد.

در ادامه‌ی ساختار مقاله، مبانی نظری تحقیق، توسعه فرضیه‌ها و پیشینه تحقیقات انجام شده ارائه می‌گردد، و به دنبال آن روش تحقیق شامل جامعه آماری و نمونه، معرفی و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، روش اجرای پژوهش و نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها مطرح می‌گردد. سپس یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد و در پایان مقاله نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه شده است.

۲- مبانی نظری، پیشینه پژوهش و فرضیه‌ها

طی پژوهش‌های پیشین اثر برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر جلوگیری از اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. اما با این وجود مطالعه تأثیر تمام ساز و کارهای آن که بالطبع نقش مهمی در برنامه‌ریزی مالیات و کاهش اجتناب از مالیات دارند، به طور کامل صورت نگرفته است. بر طبق نظر آرنل و ویس^{۱۴} (۱۹۹۵)، مالیات می‌تواند مشکلات متعدد نمایندگی را بخاطر حفظ درآمد ایجاد کند. و راه حل‌های حاکمیتی مختلفی در جهت به حداقل رساندن تضاد بین سهامداران و مدیران طبق مطالعات گذشته ارائه شده است.

در این پژوهش به طور خاص بر یک مکانیزم داخلی حاکمیت شرکتی یعنی هیأت مدیره تمرکز می شود. دلایل متعددی برای این امر وجود دارد. اول، وظیفه اصلی حاکمیت شرکتی این است که در جهت منافع سهامداران عمل کند و اطمینان حاصل گردد که مدیریت صرفاً به نفع خود عمل نخواهد کرد. هیأت مدیره، یک معیار مؤثر از حاکمیت شرکتی است؛ زیرا هیأت مدیره در تصمیم گیری های شرکت دخالت دارد. نقش هیأت مدیره محافظت از سهامداران با نظارت بر مدیریت است (وان در پیلوس^{۱۵}، ۲۰۱۷: ۱۱-۱۰). در ادامه، مباحث نظری در مورد ارتباط بین ویژگی های هیأت مدیره و اجتناب از مالیات شرکت ها به طور مختصر ارائه می گردد.

۲-۱- افشای وضعیت عدم اطمینان مالیاتی^{۱۶} شرکت ها و اجتناب از مالیات

تحقیقات اخیر افشای وضعیت های مالیاتی نامشخص را به عنوان نشانه ای از رفتار مالیاتی تهاجمی محسوب کرده اند (به عنوان مثال، میلز و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۰: ۱۷۲۴؛ لیسوسکی و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۳: ۵۹۵).

استراتژی های تهاجمی مالیات، عدم قطعیت قابل توجهی برای یک شرکت از نظر استفاده از قوانین مالیاتی و برآورد مالیات تحمیل می کنند. اگر مدیریت یک شرکت با عدم اطمینان و قطعیت مواجه شود ممکن است برآوردهای غیرقطعی خود نسبت به بدهی یا طلب مالیاتی فعلی را در یادداشت های همراه صورت های مالی افشاء نماید (به عنوان مثال پیش بینی نسبت به مالیات هایی که هنوز قطعی نشده اند و یا پیش بینی نسبت به استرداد مالیات توسط اداره ی مالیاتی). زمانی که یک شرکت وضعیت عدم قطعیت را افشاء می کند این مسأله بیانگر یک خطر مالیاتی می باشد. چنین خطری در اثر عدم تطابق مالیات گزارش شده بر اساس سود ابرازی شرکت و مالیات قطعی توسط مراجع مالیاتی می باشد. این وضعیت عدم اطمینان زمانی که شرکت درگیر قراردادهای پیچیده با مدیریت می شود، و هنگامی که حسابرسان در بکارگیری صحیح قوانین مالیاتی با مشکل مواجه می شوند، تشدید می گردد. هیأت مدیره شرکت در راستای مدیریت ریسک شرکت، ریسک مالیاتی را نیز مدنظر قرار می دهند. امروزه بواسطه ی استانداردهای افشای وضعیت مالیاتی، مدیران چگونگی مدیریت ریسک مالیات را مورد بررسی قرار می دهند (تایلور و ریچاردسون، ۲۰۱۴: ۳). لذا مدیران جهت درک وضعیت نامطمئن مالیاتی باید اهمیت کنترل های داخلی، نقش کمیته حسابرسی و قوانین مالیاتی مؤثر بر معاملات تجاری مهم را بدانند.

ویلسون (۲۰۱۰) ادعا می کند شرکت های دارای گرایش به استفاده از تأمین مالی خارج از ترازنامه تمایل دارند که هزینه های بهره پایین تری در گزارش های سالانه خود در مقایسه با اظهارنامه مالیاتی گزارش نمایند. اظهارات ویلسون با تحقیق انجام شده توسط میلز و نیوبری^{۱۹} (۲۰۰۵) مطابقت دارد. بر اساس نتایج آن ها شرکت های با رتبه بندی اعتباری پایین تر، هزینه های بهره کمتری در گزارش سالانه خود در مقایسه با اظهارنامه مالیاتی گزارش می کنند. به این ترتیب ممکن است که اجتناب از مالیات با گزارش گری عدم قطعیت قابل توجه در گزارش سالانه مرتبط باشد.

مطالعات قبلی نشان داده‌اند که افشای اطلاعات مالیاتی در صورت‌های مالی برآوردهایی از بدهی مالیاتی یک شرکت فراهم می‌کند که در بهترین شرایط نیز ناواضح می‌باشد (لیسووسکی، ۲۰۰۷: ۱۱). عدم قطعیت در برآوردهای حسابداری مالیاتی شاخص بالقوه‌ای از اجتناب مالیاتی شرکت می‌باشد. مدیران ممکن است بواسطه‌ی ذهنیت درونی خود نسبت به این موضوع در هنگام برآورد میزان مالیات امر اجتناب از مالیات را تسهیل نمایند. به‌عنوان مثال هنگام قضاوت در مورد بکارگیری و تفسیر قانون مالیات بر درآمد، در محاسبه میزان مالیات‌های انتقالی، در ایجاد ذخایر مالیاتی مربوط به حسابرسی مالیاتی در حال انجام و یا بالقوه، و در جهت توانایی شرکت به جبران ضرر و زیان مالیاتی ممکن است این کار را انجام دهند. بنابراین با توجه به مبانی نظری ارائه شده فرضیه اول به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: افشای عدم قطعیت وضعیت مالیاتی یک شرکت با اجتناب از مالیات شرکت‌ها ارتباط مثبت معنی‌داری دارد.

۲-۲- پاداش هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی

تمایل مدیران به اجتناب از مالیات بواسطه‌ی انگیزه‌های پاداش تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما فیلیپس^{۲۰} (۲۰۰۳) شواهدی نیافت مبنی بر اینکه مدیران شرکت‌هایی که پاداش آن‌ها بر مبنای سود پس از مالیات محاسبه شده است، انگیزه بیشتری برای اجتناب از مالیات داشته باشند. دسای و دارمیالا^{۲۱} (۲۰۰۶) با بررسی ارتباط بین پاداش مدیریت و اجتناب مالیاتی به نتیجه رسیدند که افزایش پاداش به هم‌راستاسازی انگیزه‌های نماینده و مالک در چارچوب نمایندگی کمک می‌کند و این باعث تحریک مدیریت به انجام تصمیمات سرمایه‌گذاری، امور مالی و مالیاتی مخاطره‌آمیز می‌گردد. دسای و دارمیالا (۲۰۰۶) همچنین به نتیجه رسیدند که افزایش انگیزه پاداش در شرکت‌هایی که ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف دارند باعث کاهش استفاده از نرخ‌های پایین مالیاتی می‌گردد. مینیک و نوگا (۲۰۱۰) دریافته‌اند که پاداش مدیران با نرخ‌های مؤثر مالیاتی بلندمدت کاهش پیدا می‌کند. رگو و ویلسون (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که پاداش مبتنی بر حقوق مالکانه باعث ایجاد انگیزه مدیران به انجام برنامه‌ریزی مالیاتی مخاطره‌آمیز می‌گردد. مدیران با پاداش‌های نقدی و مالکانه (پرداخت مبتنی بر سهم و حق اختیار) انگیزه دارند که سود پس از کسر مالیات را برای سهامداران و شرکت افزایش دهند، و یکی از مؤثرترین راه‌ها برای دستیابی به آن کاهش میزان هزینه مالیات بر درآمد شرکت است. پاداش مبتنی بر عملکرد انگیزه کافی را در مدیران ایجاد می‌کند که برای دستیابی به پاداش مناسب، فعالیت‌های مالیاتی تهاجمی و مخاطره‌آمیز انجام دهند که به‌طور معمول به اجتناب از مالیات منجر شود. این خطرات می‌تواند شامل عدم قطعیت وضعیت مالیاتی یک شرکت، از دست دادن حسن شهرت سرمایه شرکت و هزینه‌های مرتبط با حسابرسی مالیاتی گردد. نتایج رگو و ویلسون (۲۰۱۲) پشتیبانی از این اظهارات محسوب می‌شود. آن‌ها پاداش مبتنی بر حقوق مالکانه بیشتر را با نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تر و تفاوت دفتری مالیات بیشتر مرتبط می‌دانند. ارتباط بین پاداش و اجتناب از مالیات

ممکن است صرفاً در اثر برنامه‌ریزی مالیاتی نباشد بلکه در نتیجه‌ی تلاش هیأت‌مدیره و مدیر عامل برای کاهش بدهی‌های مالیاتی باشد. به‌عنوان مثال ممکن است برخی از فعالیت‌های عادی سرمایه‌گذاری و یا تأمین مالی در جهت کاهش پرداخت مالیات طراحی گردند (آرمسترانگ و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۲: ۳۹۲). با توجه به موارد اشاره شده فرضیه دوم به شرح زیر تدوین شد: فرضیه دوم: انگیزه پاداش هیأت‌مدیره رابطه‌ی مثبت معنی‌داری با اجتناب از مالیات دارد.

۲-۳- ترکیب جنسیت^{۲۳} و اجتناب مالیاتی:

مدیران زن نظارت مؤثری در رابطه با مسائل هیأت‌مدیره به نحو مشابه با مدیران خارجی اعمال می‌کنند. علاوه بر این، مدیران زن از ریسک‌پذیری کمتری برخوردار هستند، استانداردهای اخلاقی بیشتری دارند، تفکر مستقل بیشتری از خود نشان می‌دهند و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تری انجام می‌دهند که سطح شفافیت و قابلیت اعتماد در هیأت‌مدیره را افزایش می‌دهند و بنابراین، منطقی است که انتظار داشته باشیم که حضور زنان در هیأت‌مدیره می‌تواند احتمال اجتناب مالیاتی را کاهش دهد (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۱۶). بیشتر محققان عنوان می‌کنند که زنان از اخلاق مالیاتی عمیق‌تری نسبت به مردان برخوردارند و به شکل مرسوم زنان به قوانین اجتماعی، محدودیت‌های اخلاقی و الگوهای محافظه‌کارانه در زندگی بیشتر از مردان پایبندند (جکسون و جئون^{۲۴}، ۱۹۸۹: ۱۳۳). سیسیلیانو^{۲۵} (۱۹۹۶: ۱۳۱۳) استدلال می‌کند که تنوع در جنسیت اعضای هیأت‌مدیره به عملکرد اجتماعی بالاتر و افزایش نقدینگی منجر می‌گردد. در زمینه برنامه‌ریزی مالیاتی، علیانی و زارای (۲۰۱۲: ۱۴۷) مسئله تنوع جنسیتی و ارزش‌های زن را معرفی کردند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که حضور زنان مانع از استراتژی برنامه‌ریزی مالیاتی درون شرکت می‌گردد. کروسون و گنیزی^{۲۶} (۲۰۰۸: ۴۵۳) نشان داده‌اند که زنان نسبت به مردان به ویژه در حوزه‌های اقتصادی خاص در معرض خطر بیشتری هستند و نسبت به مردان کمتر درگیر رفتارهای غیراخلاقی هستند. کاستلانگر و همکاران^{۲۷} (۲۰۱۰: ۵۴۳) به نتیجه رسیده‌اند که زنان سطوح بالاتری از قوانین مالیاتی را رعایت می‌کنند. در مقابل، مردان سطح بااهمیتی از فرار مالیاتی را نشان می‌دهند. تمایل مردان برای فرار از مالیات‌ها به وسیله عوامل متعددی تحت عنوان تفاوت‌های اجتماعی توضیح داده می‌شود. حسینی کندلجی و همکاران (۱۳۹۵: ۲۶) با سنجش عامل جنسیت بر فرار مالیاتی در ایران به نتیجه رسیدند که اخلاق مالیاتی زنان در ایران نسبت به مردان بیشتر است و تمایل به ریسک کمتر و توجیه‌پذیری کمتری در مورد فرار مالیاتی از خود نشان می‌دهند. بنابراین فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر تدوین شد:

فرضیه سوم: ترکیب جنسیت اعضای هیأت‌مدیره رابطه‌ی معنی‌داری منفی با اجتناب از مالیات دارد.

۲-۴- پیشینه تحقیق

دووان و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۸) تأثیر شهرت مدیران عامل بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های اس و پی^{۲۹} ۵۰۰ برای دوره مالی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ را مورد بررسی قرار دادند. نمونه استخراجی آن‌ها متشکل از تعداد ۲۸۴۱ مدیرعامل بود که در این پژوهش از نام کامل مدیرعامل و دستگاه نگارش بهای سهام^{۳۰} شرکت‌ها برای بدست آوردن شاخص حجم بررسی^{۳۱} برای مدیران عامل استفاده گردید. یافته‌های آن‌ها بر اساس مدل اثرات ثابت صنعت و سال نشان داد که مدیران عامل دارای شهرت بیشتر، به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که نرخ مؤثر مالیات پایین‌تری داشته باشند. همچنین آن‌ها استدلال کردند که شرکت‌های با مدیران عامل دارای شهرت بیشتر، حق الزحمه‌های بالاتری به حساب‌برسان پرداخت می‌کنند و این نشان می‌دهد که مدیران عامل این شرکت‌ها قصد دارند از خدمات برنامه‌ریزی مالیاتی حساب‌برسان بیشتر استفاده کنند.

وان در پیلوس (۲۰۱۷) تأثیر مدیران مستقل بر اجتناب مالیاتی را با استفاده از داده‌های ۴۹۵ شرکت اس و پی ۵۰۰ برای دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ بررسی نمود. او با استفاده از تحلیل بر اساس مدل رگرسیون اثرات ثابت مبتنی بر داده‌های پانل به نتیجه رسید که زمانی که تعداد مدیران مستقل بیشتری در هیأت‌مدیره حضور داشته باشند، سطح اجتناب مالیاتی پایین‌تر خواهد بود، زیرا هیأت‌مدیره به‌عنوان یک مکانیزم کنترل داخلی می‌باشد که اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین حرفه حسابداری نیز نقش هیأت‌مدیره در نظارت بر مدیریت را به رسمیت می‌شناسد.

تایلور و ریچاردسون (۲۰۱۴) رابطه‌ی بین اجتناب مالیاتی و نقش و ویژگی‌های مدیران ارشد را بررسی کردند. آن‌ها نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰ شرکت استرالیایی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ را مورد آزمون قرار دادند و به نتیجه رسیدند که گزارشگری وضعیت نامطمئن مالیاتی، تخصص مالیاتی اعضای هیأت‌مدیره و پاداش مدیران ارشد شرکت رابطه مثبت معنی‌داری با اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارند و در مقابل شرکت‌هایی که حداقل یک عضو هیأت‌مدیره دارای وابستگی مالیاتی دارند، دارای رابطه معنی‌داری منفی با اجتناب از مالیات می‌باشند.

ژاکوب^{۳۲} (۲۰۱۴) جهت بررسی تجربی مسأله فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی به‌عنوان یک عامل بحرانی در توسعه اقتصادی کشور نیجریه، پرسشنامه ساختار یافته‌ای را بین ۱۵۰ نفر از پرداخت کنندگان مالیات و فرارکنندگان مالیات توزیع نمودند. یافته‌های آن‌ها آشکار کرد که فرار و اجتناب مالیاتی متقابلاً رشد و توسعه اقتصادی در نیجریه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنابراین فقدان قوانین حاکمیتی و حمایتی از پرداخت کنندگان مالیات عاملی مهم در فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی محسوب می‌گردد و لذا دولت باید با قوانین حاکمیتی مناسب باعث تشویق مؤدبان مالیاتی به پیروی داوطلبانه بدهی مالیاتی گردد.

زمزم و فتوحی^{۳۳} (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر مالیات تهاجمی پرداختند. آن‌ها با تحلیل نمونه‌ای متشکل از ۷۳ شرکت فرانسوی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ دریافتند که اندازه هیأت‌مدیره و درصد اعضای زن هیأت‌مدیره تهاجم مالیاتی را کاهش می‌دهد و همچنین اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با تهاجم مالیاتی دارند.

علیانی و زارای (۲۰۱۲) نیز جهت بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر برنامه‌ریزی مالیاتی نمونه‌ای متشکل از ۳۲ شرکت پذیرفته شده در بورس تونس را طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ مورد آزمون قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که استقلال رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل رابطه منفی معنی‌داری با اجتناب از مالیات دارد. همچنین تنوع جنسیت اعضای هیأت‌مدیره رابطه معنی‌داری و مثبت نشان می‌دهد. آن‌ها بین اندازه شرکت و استقلال اعضای هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه‌ای نیافتند.

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از خدمات یک شرکت مشاوره‌ای، اطلاعات اختصاصی پاداش ۴۲۳ شرکت طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ را جهت بررسی رابطه بین انگیزه‌های اجتناب مالیاتی مدیران با نرخ مؤثر مالیاتی، شکاف مالیات دفتری و اقدامات تهاجمی مالیات بکار گرفتند. نتایج آن‌ها نشان داد که پاداش مدیران رابطه معنی‌داری قوی با نرخ مؤثر مالیاتی دارد و این بیانگر آن است که مدیران جهت کاهش هزینه مالیات در صورت‌های مالی دارای انگیزه می‌باشند.

گارتتر^{۳۴} (۲۰۱۱) در پژوهش خود با بررسی ارتباط بین پاداش مدیران بر مبنای سود پس از مالیات و اجتناب مالیاتی نتیجه گرفت که یک رابطه معنی‌داری منفی بین محاسبه پاداش بر مبنای سود پس از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد که استفاده از این مبنا موجب صرفه‌جویی مالیاتی شرکت می‌گردد و صرفه‌جویی مالیاتی نیز به نوبه خود ممکن است باعث سود قبل از مالیات کمتر و یا مالیات‌های ضمنی گردد. در این پژوهش ارتباط معنی‌داری مثبت بین مشوق‌های مبتنی بر سود پس از کسر مالیات و مالیات‌های ضمنی بیانگر آن است که مدیرانی که بر مبنای سود پس از مالیات پاداش می‌گیرند ریسک بیشتری متحمل می‌شوند و در ازای این ریسک اضافی صرف بیشتری را تقاضا می‌کنند.

در ایران پژوهش انجام شده‌ای را نمی‌توان ذکر کرد که به صراحت به بررسی تأثیر نقش و انگیزه‌ها و ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر اجتناب از مالیات پرداخته باشد. لذا جهت افزودن به غنای پژوهش حاضر به ذکر چند پژوهش انجام شده و نتایج آن‌ها در زمینه عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی در ایران پرداخته می‌شود.

تحریری و خوئینی (۱۳۹۶) تأثیر کیفیت اطلاعات داخلی و کیفیت افشا را بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها طی بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها داده‌های ۱۶۹ شرکت را با استفاده از روش تحقیق همبستگی و مدل رگرسیون چندمتغیره تحلیل نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش کیفیت داخلی مثل افزایش صحت پیش‌بینی سود توسط مدیر موجب افزایش اجتناب مالیاتی

می‌گردد و این نتیجه هم‌راستا با تئوری تصمیم می‌باشد. از طرفی آن‌ها بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری یافتند. به عبارتی کیفیت افشا به‌عنوان سازوکار کاهش هزینه نمایندگی موجب کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود.

حسینی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ کرده و از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها جهت اندازه‌گیری توانایی مدیریت و مدل رگرسیون چند متغیره استفاده کردند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن می‌باشد که توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر متغیرهای شاخص اجتناب مالیاتی دارد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری قابلیت‌های مدیران بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها داده‌های ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را برای بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ با استفاده از روش رگرسیون توپیت و تحلیل پوششی داده‌ها تحلیل نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین قابلیت‌های مدیران و اجتناب از مالیات رابطه منفی معناداری وجود دارد. این بدان دلیل است که مدیران با قابلیت‌های بالا جهت سودآوری بیشتر به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و فعالیت‌های مولد آتی روی می‌آورند و کمتر به سمت اجتناب مالیاتی سوق پیدا می‌کنند.

مشایخی و علی‌پناه (۱۳۹۴) به مطالعه تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت پرداختند، آن‌ها برای انجام تحقیق خود از داده‌های ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده کردند. نتایج بدست آمده نشان داد که بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت دارد.

رضایی و کردستانی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها نمونه‌ای متشکل از ۱۰۷ شرکت را طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین میزان مالکیت سهامداران دولتی و متغیر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد اما با نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی رابطه ندارد. این نتیجه به دلیل آن است که احتمالاً سهامداران دولتی نظارت مؤثر و کارا بر گزارشگری مالی شرکت‌ها نداشته‌اند. از طرفی بین میزان مالکیت مدیریتی و متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و تعهدی رابطه معنی‌داری مشاهده شد. همچنین بین ترکیب هیأت‌مدیره و نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی و تعهدی رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) در پژوهشی جهت بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، رابطه مالیات ابرازی و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را مورد آزمون قرار دادند. یافته‌های بررسی ۱۴۶ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۱ توسط آن‌ها نشان داد که بین مالیات ابرازی و محافظه‌کاری با اجتناب مالیاتی

شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این مطلب مبین آن است که اجتناب مالیاتی و محافظه‌کاری ابزارهایی جایگزین برای کاهش مالیات می‌باشند.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر تفاوت مالیات ابرازی و قطعی با استفاده از ۶۴ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ پرداختند. نتایج آن‌ها حاکی از رابطه مثبت و معناداری بین عوامل اندازه شرکت، فرصت‌های رشد و سودآوری شرکت با اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد بررسی می‌باشد. با این وجود، بین میزان اهرم مالی و عمر شرکت با اختلاف مالیات ابرازی و قطعی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

با توجه به مبانی نظری و مرور پژوهش‌های انجام شده در ایران در ارتباط با اجتناب مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن می‌توان دریافت که در این پژوهش‌ها صرفاً تأثیر برخی از ویژگی‌های هیأت‌مدیره از قبیل ترکیب هیأت‌مدیره، توانایی‌ها و قابلیت‌های آن‌ها بر اجتناب مالیاتی بررسی گردیده است. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است رابطه بین نقش و انگیزه‌ها و ویژگی‌های هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در ایران بررسی گردد تا نقش هیأت‌مدیره در تصمیمات مرتبط با کاهش مالیات بهتر مشخص گردد که این زمینه در پژوهش‌های قبلی انجام شده مورد توجه قرار نگرفته است.

۳- روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ اینکه به بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های هیأت‌مدیره با اجتناب از مالیات می‌پردازد از نظر ماهیت از نوع همبستگی می‌باشد. همچنین این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است و جهت اجرای پژوهش از رویکرد پس رویدادی یا به عبارتی استفاده از رویدادهایی که در گذشته روی داده استفاده می‌شود. برای جمع‌آوری مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای و داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش نیز با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن‌ها و با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها بر اساس فرضیه‌ها و مدل‌های مطرح شده با استفاده از رویکرد داده‌های ترکیبی در نرم‌افزار ایویوز نسخه ۷ انجام شد. برای بررسی روابط مطرح شده در فرضیه‌ها از آزمون‌های F و t جهت تعیین الگوی تلفیقی یا ترکیبی از آزمون چاو و هاسمن بهره‌گیری شده است.

۳-۱- جامعه‌ی آماری و انتخاب نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه آماری شامل تعداد ۱۰۴ شرکت از این جامعه برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ انتخاب گردید. جهت انتخاب این نمونه استثنائاتی به شرح زیر در نظر گرفته شد و در نهایت نمونه به روش حذفی و مشتمل بر تعداد ۶۲۴ شرکت-سال انتخاب گردید:

- ۱- شرکت‌های سرمایه‌گذاری؛ زیرا این شرکت‌ها تحت قوانینی عمل می‌کنند که ممکن است باعث گردد نرخ مؤثر مالیاتی آن‌ها بسیار متفاوت باشد و در نتیجه باعث نتایج نامعتبر گردد.
- ۲- شرکت‌هایی که در محدوده تاریخی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ غیرفعال و در نتیجه فاقد داده می‌باشند.
- ۳- شرکت‌هایی که طی دوره مورد نظر زیان‌ده بوده‌اند. زیرا نرخ مؤثر مالیات آن‌ها بدلیل نداشتن مالیات در صورت کسر نسبت نرخ مؤثر مالیات دچار تحریف می‌گردد (زیمرن، ۱۹۸۳: ۱۲۳؛ عامر و همکاران^{۳۵}، ۱۹۹۳: ۱۶۹). اگرچه آوردن شرکتهای دارای زیان در نمونه منجر به برآوردهای جامع‌تری می‌گردد، اما تفسیر نتایج را دشوار می‌سازد (وانگ، ۱۹۹۱: ۱۶۶ و ۱۶۷؛ ویلکی و لیمبرگ^{۳۶}، ۱۹۹۳: ۵۳). زیرا نرخ مؤثر مالیات شرکت در سالی که در آن زیان خالص دارد، معنی‌دار نمی‌باشد. در نتیجه، روشن نیست که چگونه می‌توان میانگین نرخ مؤثر مالیات را برای نمونه آماری که شامل برخی شرکت‌های با سود خالص و برخی دیگر با زیان خالص برای یک سال معین است، تفسیر کرد.
- ۴- شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیات بیشتر از یک دارند چرا که این می‌تواند منجر به مشکلات برآورد مدل گردد (استیکنی و مک‌گی، ۱۹۸۲: ۱۳۲؛ میلز و نیوبری، ۲۰۰۵: ۲۵۸ و ۲۵۹).

۲-۳- متغیرهای وابسته

جهت تقویت و اعتبار نتایج حاصله، در این پژوهش سه نوع متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات^{۳۷} ETR و نرخ مؤثر مالیات نقدی^{۳۸} CETR و نسبت معافیت مالیاتی به دارایی‌های سال قبل^{۳۹} EXTR به‌عنوان معیارهای اجتناب از مالیات مورد استفاده قرار گرفتند. این متغیرها در پژوهش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (به‌عنوان مثال دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶: ۱۵۸ و ۱۵۹؛ دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۱۶۴؛ چن و همکاران^{۴۰}، ۲۰۱۰: ۴۲؛ زارای و علیانی، ۲۰۱۲: ۱۴۸؛ مک گوئیر و همکاران^{۴۱}، ۲۰۱۲: ۹۸۳). هر یک از این متغیرها به‌عنوان معیار برنامه‌ریزی مالیات محسوب شده که بدون لزوماً کاهش سود تعهدی حسابداری بدهی مالیاتی شرکت را کاهش می‌دهند. متغیر نرخ مؤثر مالیاتی ETR بر اساس نسبت هزینه مالیات کل (هزینه مالیات دوره جاری بعلاوه‌ی هزینه مالیات انتقالی) بر سود قبل از مالیات محاسبه می‌شود و از اطلاعات صورت سود و زیان شرکت‌ها استخراج می‌گردد. و متغیر نرخ مؤثر مالیات نقدی CETR از تقسیم مالیات نقدی پرداختی در صورت جریان وجوه نقد بر سود قبل از مالیات حاصل می‌گردد. نقطه ضعف متغیر نرخ مؤثر مالیات این است که ممکن است از میزان تعدیلات مالیات انتقالی زیادی ناشی شود (هانلون، ۲۰۰۵: ۱۴۳). و مزیت نرخ مؤثر مالیات نقدی آن است که استراتژی‌های اجتناب مالیاتی در مالیات‌های نقدی پرداخت شده بیشتر منعکس می‌گردند (دایرنگ و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۵ و ۶۶). معیارهای منفی این دو متغیر نیز به موارد مزایای مالیاتی و یا استرداد مالیات مرتبط می‌شود. در این پژوهش چنانچه در یک سال خاص استرداد یا مزیت مالیاتی وجود داشته باشد بر اساس مطالعه دایرنگ و همکاران (۲۰۱۰) این متغیرها صفر در نظر گرفته شده است. متغیر وابسته سوم بر اساس مطالعات منزون و پلسکو^{۴۲} (۲۰۰۲)

از تقسیم سود قبل از مالیات منهای سود مشمول مالیات بر مجموع دارایی‌های سال قبل بدست می‌آید. سود مشمول مالیات از تقسیم مالیات بر نرخ مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بدست آمده است.

لازم به ذکر است که نرخ مؤثر مالیات بر اساس هزینه کل مالیات و مالیات نقدی پرداختی معیارهای معکوس اجتناب مالیاتی هستند و نسبت معافیت مالیاتی معیار مستقیم اجتناب مالیاتی محسوب می‌شود.

۳-۳- متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل بکار گرفته شده شامل وضعیت عدم قطعیت مالیاتی شرکت‌ها (تایلور و ریچاردسون، ۲۰۱۴: ۲)، پاداش مبتنی بر عملکرد هیأت‌مدیره شرکت‌ها و ترکیب جنسیت اعضای هیأت‌مدیره (علیانی و زارای، ۲۰۱۲: ۱۴۶) می‌باشند. وضعیت عدم اطمینان مالیاتی UNTP به‌عنوان یک متغیر دو ارزشی در نظر گرفته شده است که چنانچه وضعیت نامطمئن مالیاتی توسط مدیران در یادداشت توضیحی مربوط به مالیات افشاء شده باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد. به‌عنوان مثال به چند مورد از افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی در یادداشت مربوط به مالیات اشاره می‌گردد که ارزش یک به آن اطلاق شده است: مالیات بر درآمد دو سال قبل و بیشتر از آن هنوز قطعی و تسویه نشده باشد؛ برگ تشخیص مالیاتی به شرکت اعلام گردیده است ولی به دلیل اعتراض نسبت به تشخیص واصله موضوع در هیأت حل اختلاف مالیاتی در حال رسیدگی می‌باشد و هنوز رأی هیأت به شرکت ابلاغ نشده است؛ مالیات بر درآمد توسط حساب‌رسان موضوع ماده ۲۷۲ قانون م.م رسیدگی شده است ولی تاکنون برگ تشخیص آن از سوی سازمان امور مالیاتی اعلام نگردیده است؛ شرکت نسبت به رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی در خصوص مالیات عملکرد سال ... اعتراض نموده است ولی تاکنون رأی شورای عالی مالیاتی واصل نگردیده است؛ مالیات عملکرد سنوات قبل قطعی و تسویه شده است اما یک برگ متمم مالیاتی جهت عملکرد سال ... به شرکت واصل گردیده است و البته شرکت نسبت به مبلغ برگ مزبور اعتراض نموده است ولی تاکنون برگ قطعی صادر نشده است؛ از بابت اندوخته طرح و توسعه سال‌های قبل مالیاتی به مبلغ ... در سال ... مطالبه گردیده که با وجود شکایت شرکت به شورای عالی مالیاتی هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده است؛ علی‌رغم وجود معافیت موضوع ماده ۱۳۲ و ۱۳۸ قانون م.م و قبول این موضوع در سنوات قبل توسط اداره امور مالیاتی مربوطه و حسابداران رسمی شرکت، اداره امور مالیاتی مربوطه این معافیت‌ها را در برگ تشخیص عملکرد سال ... لحاظ نموده است و به بخشنامه اخیر سازمان امور مالیاتی مبنی بر ارسال این‌گونه پرونده‌ها به حوزه مالیاتی تهران جهت تعیین تکلیف استناد نموده است که مورد اعتراض شرکت واقع شده است؛ شرکت ذخیره مالیات را محاسبه نموده اما آن را در سایر حساب‌های پرداختی لحاظ نموده است. متغیر پاداش REMR از طریق نسبت پاداش به سود خالص محاسبه شده است.

همچنین متغیر ترکیب جنسیت GD نیز چنانچه ترکیب جنسیتی از لحاظ زن و مرد در اعضای هیأت‌مدیره وجود داشته باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

۳-۴- متغیرهای کنترل

چهار متغیر اندازه شرکت، اهرم مالی، نرخ بازده دارایی‌ها و نسبت دارایی‌های ثابت به‌عنوان متغیرهای کنترل که ممکن است بر اجتناب مالیاتی تأثیر بگذارند در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. رگو (۲۰۰۳) در مورد اثر اندازه شرکت SIZE^{۴۳} به نتیجه رسید که شرکت‌های بزرگتر تمایل و انگیزه بیشتری برای دستیابی به صرفه اقتصادی از طریق کاهش مالیات دارند. اندازه شرکت بصورت لگاریتم طبیعی دارایی‌های کل شرکت محاسبه گردیده است.

در مورد اثر اهرم مالی^{۴۴} LEV، شرکت‌هایی که نسبت بدهی بالاتری دارند در کاهش دادن مالیات مؤثرتر عمل می‌کنند. این متغیر از تقسیم بدهی‌های بلندمدت بر دارایی‌های کل بدست می‌آید (دایرنگ و همکاران، ۲۰۰۸: ۷۵؛ ویلسون، ۲۰۰۹: ۹۸۵).

نرخ بازده دارایی‌ها^{۴۵} ROA که از تقسیم سود قبل از مالیات بر دارایی‌های کل بدست می‌آید عملکرد عملیاتی شرکت را کنترل می‌کند (میلز و نیوبری، ۲۰۰۵: ۲۶۰). نظر به اینکه مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌گردد، لذا نسبت سودآوری عامل تأثیرگذاری در اجتناب مالیاتی محسوب می‌گردد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳: ۲۷).

نسبت تراکم سرمایه‌بری^{۴۶} CINT با تقسیم ارزش دفتری دارایی‌های ثابت به دارایی‌های کل اندازه‌گیری می‌شود و به خاطر هزینه‌های استهلاکی که دارند رابطه‌ی مثبتی با اجتناب مالیاتی دارد و از این رو به‌عنوان یک متغیر کنترلی اثر آن مورد بررسی قرار گرفته است (تایلور و ریچاردسون، ۲۰۱۴: ۷).

۳-۵- مدل پژوهش

با توجه به فرضیات پژوهش و متغیرهای مورد استفاده، مدل رگرسیونی حداقل مربعات معمولی جهت تحلیل رگرسیونی تلفیقی / ترکیبی در سه مدل ارائه گردید. مدل اول بر اساس متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات بصورت زیر ارائه گردید:

مدل (۱)

$$ETA_{it} = c + b_1UNTP_{it} + b_2REMR_{it} + b_3GD_{it} + b_4SIZE_{it} + b_5LEV_{it} + b_6CINT_{it} + b_7ROA_{it}$$

در مدل فوق i و t نشان‌دهنده شرکت i در دوره زمانی t و متغیرها به ترتیب ETA_{it} ، بیانگر نرخ مؤثر مالیات می‌باشد، که بر اساس نسبت هزینه مالیات کل بر سود قبل از مالیات محاسبه می‌شود. $UNTP_{it}$ ، وضعیت نامطمئن مالیاتی است که به صورت یک متغیر دوارزشی چنانچه وضعیت عدم اطمینان مالیاتی افشاء شده باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد. $REMR_{it}$ ، نشان‌دهنده پاداش هیأت‌مدیره است و از طریق نسبت پاداش به سود خالص محاسبه شده است.

GD_{it} ، ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره را به صورت متغیر دوارزشی نشان می‌دهد و چنانچه ترکیب جنسیت از لحاظ زن و مرد در اعضای هیأت‌مدیره وجود داشته باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد. $SIZE_{it}$ ، بیانگر اندازه شرکت است که بر حسب لگاریتم طبیعی دارایی‌های کل محاسبه شده است. LEV_{it} ، اهرم مالی را نشان می‌دهد و بر اساس نسبت بدهی‌های بلندمدت بر دارایی‌های کل اندازه‌گیری شده است. $GINT_{it}$ ، تراکم سرمایه‌بری شرکت را نشان می‌دهد و از نسبت ارزش دفتری دارایی‌های ثابت به دارایی‌های کل محاسبه می‌گردد و ROA_{it} به صورت نسبت سود قبل از مالیات بر دارایی‌های کل محاسبه شده است.

در مدل‌های دوم و سوم به جای متغیر وابسته ETA_{it} ، متغیرهای $CETA_{it}$ ، بصورت نسبت مالیات نقدی پرداخت شده به سود قبل از مالیات و TER_{it} ، بصورت نسبت معافیت مالیات عملکرد به دارایی‌های سال قبل شرکت‌ها به عنوان شاخص اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شد. با توجه به سه فرضیه اصلی که در قسمت مبانی نظری ذکر گردید و همچنین با توجه به سه مدل ذکر شده، برای هر مدل به طور جداگانه سه فرضیه فرعی بررسی می‌گردد.

۴- یافته‌های پژوهش

تحلیل آماری مدل‌های مطروحه فوق با بهره‌گیری از نرم افزار Eviews نسخه ۷ و بر اساس داده‌های پژوهش به شرح زیر انجام گرفت.

۴-۱- آمار توصیفی

ابتدا آمار توصیفی داده‌ها بصورت نگاره ۱ به شرح زیر ارائه می‌گردد:

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نسبت معافیت مالیاتی	نسبت مالیات نقدی	نرخ مؤثر مالیات	افشاء وضعیت نامطمئن مالیاتی	پاداش هیات مدیره	ترکیب جنسیت هیات مدیره	اندازه شرکت	اهرم مالی	نسبت دارایی‌های ثابت	نرخ بازده دارایی‌ها
۰/۰۷۸۲	۰/۱۷۲۵	۰/۱۵۴۲	۰/۳۵۰۹	۰/۳۴۱۷	۰/۰۶۲۵	۱/۱۱۳۱	۰/۱۳۳۲	۰/۲۵۶۴	۰/۱۸۸۹
۰/۰۳۷۰	۰/۱۷۹۰	۰/۱۷۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۹۹۰	۰/۰۰۰۰	۱/۱۰۹۰	۰/۱۱۴۰	۰/۲۲۳۰	۰/۱۷۶۰
۰/۰۷۵۲۰	۰/۵۰۰۰	۰/۴۴۷۰	۱/۰۰۰۰	۱/۰۱۷۰	۱/۰۰۰۰	۱/۲۵۱۰	۰/۵۷۴۰	۰/۷۴۵۰	۰/۵۵۵۰
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۲۷۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۳۱۰	۰/۰۱۹۰
۰/۱۰۶۶	۰/۰۶۰۳	۰/۰۷۷۶	۰/۴۷۷۶	۰/۲۷۸۱	۰/۲۴۲۲	۰/۰۳۸۴	۰/۰۶۴۱	۰/۱۴۷۸	۰/۰۹۱۷
۲/۸۹۷۱	۴/۰۷۵	۰/۲۷۸	۰/۶۲۴۵	۰/۰۵۶	۳/۶۱۴۷	۰/۷۰۲۰	۲/۴۶۲۷	۰/۹۶۲۳	۱/۰۵۵۸
۱۳/۸۵۶	۶/۴۸۵۹	۲/۴۵۷۶	۱/۳۹۰۰	۱/۲۸۷۴	۱۴/۰۶۶	۳/۶۷۷۳	۱۰/۸۵۱	۳/۶۶۱۲	۴/۲۴۰۱
۳۹۳۷/۵	۳۳۳/۲۲	۱۱/۰۹۴	۱۰/۷/۹۵	۷۶/۵۹۱	۴۵۴۳/۱	۶۳/۱۸۲	۲۲۳۳/۷	۱۰/۷/۶۷	۱۵۵/۹۶
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۴۸/۸۴۲	۱۰/۷/۶۵	۹۶/۲۵۶	۲۱۹/۰۰	۲۱۳/۲۶	۳۹/۰۰۰	۶۹/۵۹	۸۳/۱۴۸	۱۶۰/۰۳	۱۱۷/۹۱
۷/۰۹۲۴	۲/۲۶۶۱	۳/۷۵۶۷	۱۴۲/۱۳	۴۸/۱۹۵	۳۶/۵۶۲	۰/۹۱۹۹	۲/۵۶۵۰	۱۳/۶۰۹	۵/۲۴۹۰
۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴

نگاره فوق نشان می‌دهد که تعداد مشاهدات بر حسب سال-شرکت ۶۲۴ می‌باشد. همان‌گونه که در نگاره پیداست میانگین نرخ مؤثر مالیاتی ۱۵/۴٪ است که این با نرخ ۲۲/۵٪ مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ایران تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد و نشان‌دهنده برنامه‌ریزی مالیاتی و اجتناب از مالیات می‌باشد. مقادیر داده متغیرهای وابسته باید بین صفر و یک قرار گیرد و ماکزیمم این متغیرها بخوبی این نکته را نشان می‌دهد که در مورد متغیرهای وابسته سه مدل یعنی نرخ مؤثر مالیات، نسبت مالیات تقدی و نسبت معافیت مالیاتی به ترتیب به میزان ۰/۴۴، ۰/۵۰ و ۰/۷۵ می‌باشند. میزان انحراف معیار در مورد متغیرهای دو ارزشی افشاء وضعیت نامطمئن مالیاتی و ترکیب جنسیت که بر حسب صفر و یک اندازه‌گیری شده‌اند بیشتر و به ترتیب به میزان ۰/۴۷ و ۰/۲۴ اندازه‌گیری شده است. و نشان می‌دهد تنوع شرکت‌ها بر حسب این دو متغیر بیشتر می‌باشد و اختلاف بیشتری دارند. همچنین آماره جارگ برا جهت تمامی متغیرها غیرنرمال بودن آن‌ها را نشان می‌دهد. که با توجه به روش بکارگیری حداقل مربعات معمولی و خاصیت این روش و همچنین با توجه به اندازه نمونه از نرمال کردن داده‌ها و یا بکارگیری سایر روش‌ها صرفنظر شده است.

۴-۲- نتایج رگرسیون

در ابتدا انجام آزمون‌های مربوط به فروض کلاسیک رگرسیون خطی شامل بررسی هم‌خطی^{۴۷}، ناهمسانی واریانس^{۴۸} و نرمال بودن اجزای اخلا^{۴۹} مدل مورد تحلیل قرار می‌گیرد. چنانچه داده‌ها و نوع برآورد از نوع ترکیبی باشد، انجام آزمون عامل تورم واریانس^{۵۰} جهت بررسی هم‌خطی امکان‌پذیر نمی‌باشد. ولی هم‌خطی موضوعی است که به داده‌ها و نه شیوه برآورد مدل مربوط می‌شود و بنابراین می‌توان داده‌های ترکیبی را به صورت ساده در ساختار مقطعی وارد نموده و مدل‌های مورد نظر را برآورد نمود، سپس آزمون عامل تورم واریانس را انجام داد و نتایج حاصل معتبر خواهند بود (افلاطونی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

نگاره ۲ نتایج آزمون عامل تورم واریانس را جهت اندازه‌گیری شدت هم‌خطی نمایش می‌دهد. از آنجا که مقدار عامل تورم واریانس برای متغیرهای مستقل کوچکتر از عدد ۱۰ می‌باشد، بنابراین مشکل هم‌خطی وجود نخواهد داشت.

متغیر مستقل	مقدار عامل تورم واریانس متمرکز
افشاء وضعیت نامطمئن مالیاتی	۱/۰۴۲۲۰۱۷
پاداش هیأت‌مدیره	۱/۰۱۴۸۷۸
ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره	۱/۰۳۲۹۰۹
اندازه شرکت	۱/۱۱۳۴۹۰
اهرم مالی	۱/۲۶۸۹۹۴
نسبت دارایی‌های ثابت	۱/۲۱۲۷۳۶
نرخ بازده دارایی‌ها	۱/۰۳۲۲۶۶

در مورد آزمون نرمال بودن، زمانی که اندازه نمونه به میزان کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به طور مجانبی از توزیع‌های مناسب پیروی می‌کنند (افلاطونی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). لذا با توجه به تعداد ۶۲۴ مشاهده این پژوهش از انجام آزمون نرمال بودن صرف‌نظر گردید.

بررسی همسانی واریانس خطاها با استفاده از آزمون وایت^{۵۱} جهت داده‌های پانل دیتا در ایویوز امکان‌پذیر نمی‌باشد. این آزمون صرفاً در نرم‌افزار استاتا با استفاده از آزمون وایت تعمیم‌یافته قابل اجراست. لذا با توجه به این مطلب که داده‌ها با به کارگیری شاخص‌ها و یا تبدیل به شکل لگاریتم تغییر مقیاس داده‌اند (افلاطونی، ۱۳۹۲: ۹۸)، لذا صرف‌نظر از انجام آزمون همسانی واریانس خطاها، کاهش و رفع ناهمسانی صورت گرفته است.

قبل از ارائه نتایج آزمون فرضیه‌ها نتایج نحوه انتخاب الگوی مدل رگرسیونی تلفیقی/ ترکیبی^{۵۲} در نگاره ۳ ارائه شده است. بر اساس نتایج بدست آمده مشخص گردید که الگوی مدل تمام متغیرهای وابسته پانل یا بعبارتی الگوی اثرات ثابت مکانی می‌باشد.

نگاره ۳. نتایج آزمون جاو و هاسمن جهت تعیین الگوی یولد یا پانل اثرات ثابت یا تصادفی

نوع آزمون	مدل اول: نرخ مؤثر مالیات	مدل دوم: نسبت مالیات نقدی	مدل سوم: نسبت معافیت مالیاتی
آزمون جاو (ثابت)	مقدار آماره ۲۴/۶۹۹۶۳۰ احتمال ۰/۰۰۰۰	مقدار آماره ۱۳/۵۶۵۲۸۶ احتمال ۰/۰۰۰۰	مقدار آماره ۸/۷۷۱۸۱۴ احتمال ۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن (تصادفی)	مقدار آماره ۳۱/۴۴۶۹۸۱ احتمال ۰/۰۰۰۱	مقدار آماره ۱۳/۸۲۹۲۸۲ احتمال ۰/۰۴۴۳	مقدار آماره ۲۰/۴۵۶۱۶۰ احتمال ۰/۰۰۴۷

۴-۲-۱- نتایج آزمون فرضیه مدل اول: نتایج مدل رگرسیونی اثرات ثابت مکانی مدل اول بر اساس متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیاتی در نگاره ۴ ارائه شده است. همان‌گونه که این نگاره نشان می‌دهد تأثیر متغیرهای مستقل وضعیت نامطمئن مالیاتی و پاداش هیأت‌مدیره بر متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیاتی منفی (۰/۰۱- و ۰/۰۳-) و با توجه به احتمالات آماره t (۰/۰۰۰۰۰، ۰/۰۰۰۲)، معنی‌دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که وضعیت نامطمئن مالیاتی و پاداش هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارند. چون که قبلاً گفته شد نرخ مؤثر مالیاتی به‌عنوان معیار معکوس اجتناب از مالیات می‌باشد. از طرفی تأثیر متغیر ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی معنی‌دار نمی‌باشد. دیگر نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار فقط متغیر اهرم مالی بر نرخ مؤثر مالیاتی بر اساس هزینه مالیات کل است. نتایج آماره F نشان می‌دهد که مدل اول به‌طور کلی معنی‌دار می‌باشد و همچنین با توجه به نتایج آزمون دوربین واتسون مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است. علاوه بر آن، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۶۵/۹٪ از تغییرات متغیر وابسته نرخ مؤثر

مالیاتی تحت تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره و متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت دارایی‌های ثابت و نسبت بازده دارایی‌ها می‌باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده در رابطه با فرضیه فرعی اول تأثیر منفی و معنی‌دار متغیر وضعیت نامطمئن مالیاتی بر نرخ مؤثر مالیاتی با فرضیه مطرح شده همخوانی دارد و چون که قبلاً گفته شد نرخ مؤثر مالیاتی به‌عنوان معیار معکوس اجتناب از مالیات می‌باشد، در نتیجه فرضیه فرعی اول مورد تأیید می‌باشد. همچنین تأثیر متغیر پاداش هیأت‌مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی نیز منفی و معنی‌دار است، لذا فرضیه فرعی دوم نیز مورد تأیید می‌باشد. اما با توجه به اینکه تأثیر ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی معنی‌دار نیست، بنابراین فرضیه فرعی سوم مورد تأیید واقع نمی‌شود.

نگاره ۴. نتایج برآورد مدل اول بر اساس متغیر نرخ مؤثر مالیات

متغیر	ضرایب رگرسیونی	آماره t	احتمال
افشاء وضعیت نامطمئن مالیاتی	-۰/۰۱۳۴۶	-۳/۷۷۹۳۰	۰/۰۰۰۲
پاداش هیأت‌مدیره	-۰/۰۳۶۴۰	-۶/۵۲۰۰۶	۰/۰۰۰۰
ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره	-۰/۰۱۷۶۰	-۱/۴۷۴۶۰	۰/۱۴۰۹
اندازه شرکت	-۰/۲۱۷۰۰	-۱/۷۱۶۳۸	۰/۰۸۶۷
اهرم مالی	-۰/۱۵۰۳۸	-۴/۵۴۷۱۱	۰/۰۰۰۰
نسبت دارایی‌های ثابت	-۰/۰۶۱۹۵	-۳/۰۳۷۵۷	۰/۰۰۲۵
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۲۸۱۲۵۳	۹/۸۲۶۷۷۸	۰/۰۰۰۰
ضریب ثابت	۰/۳۲۰۸۷۴	۲/۲۷۳۷۷۹	۰/۰۲۳۴
ضریب تعیین	۰/۷۱۹۵۳۸		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۵۹۳۹۹		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۱/۷۰۸۱۱۶		

۴-۲-۲- نتایج آزمون فرضیه‌های مدل دوم: نتایج مدل رگرسیونی اثرات ثابت مکانی مدل دوم بر اساس متغیر وابسته نسبت مالیات نقدی پرداختی در نگاره ۵ ارائه شده است. همان‌گونه که این نگاره نشان می‌دهد تأثیر متغیرهای مستقل وضعیت نامطمئن مالیاتی، پاداش هیأت‌مدیره و ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره بر متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی مثبت (۰/۰۱، ۰/۰۲ و ۰/۰۲) و با توجه به احتمالات آماره t (۰/۰۰۰۰، ۰/۰۰۰۰ و ۰/۰۰۸۵) معنی‌دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که این ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر معکوس دارند. چون که قبلاً گفته شد نرخ مؤثر مالیاتی بر اساس نسبت مالیات نقدی پرداختی به‌عنوان معیار معکوس اجتناب از مالیات می‌باشد. دیگر نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار فقط متغیر اهرم مالی بر نرخ مؤثر مالیاتی بر اساس نرخ مؤثر مالیات نقدی است. نتایج آماره F نشان می‌دهد که مدل دوم به‌طور کلی معنی‌دار می‌باشد و همچنین با توجه به نتایج آزمون دوربین واتسون مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است. علاوه بر آن، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۷۰/۹٪ از تغییرات متغیر وابسته نسبت مالیات نقدی

تحت تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره و متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت دارایی‌های ثابت و نسبت بازده دارایی‌ها می‌باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده در رابطه با فرضیه فرعی اول اگرچه تأثیر متغیر وضعیت نامطمئن مالیاتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی معنی‌دار است ولی جهت رابطه با فرضیه مطرح شده همخوانی ندارد و در نتیجه فرضیه فرعی اول مورد تأیید نمی‌باشد. همچنین تأثیر متغیر پاداش هیأت‌مدیره بر نرخ مؤثر مالیات بر اساس نرخ مؤثر مالیات نقدی نیز معنی‌دار است اما با توجه به مثبت بودن رابطه، فرضیه فرعی دوم نیز مورد تأیید نمی‌باشد. همچنین با توجه به اینکه تأثیر مثبت و معنی‌دار متغیر ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره بر نرخ مؤثر مالیات نقدی با فرضیه فرعی سوم مطرح شده مطابقت دارد بنابراین فرضیه فرعی سوم مورد تأیید واقع می‌شود.

نگاره (۵). نتایج برآورد مدل دوم بر اساس متغیر نسبت مالیات نقدی

متغیر	ضرایب رگرسیونی	آماره t	احتمال
افشاء وضعیت نامطمئن مالیاتی	۰/۰۱۳۸۵۸	۵/۱۷۵۰۷۳	۰/۰۰۰۰
پاداش هیأت‌مدیره	۰/۰۲۵۶۰۶	۶/۲۰۰۶۳۳	۰/۰۰۰۰
ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره	۰/۰۲۳۱۲۶	۲/۶۴۲۳۵۵	۰/۰۰۸۵
اندازه شرکت	۰/۰۷۰۰۹۱	۰/۷۷۹۳۱۱	۰/۴۳۶۲
اهرم مالی	۰/۰۷۹۸۱۷	۲/۵۲۸۰۴۴	۰/۰۱۱۸
نسبت دارایی‌های ثابت	-۰/۰۰۲۰۴	-۰/۱۴۸۵۲	۰/۸۸۲۰
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۰۳۳۷۸۹	۱/۹۳۸۱۲۸۸	۰/۰۵۳۱
ضریب ثابت	۰/۰۶۲۹۴۹	۰/۶۲۱۷۱۰	۰/۵۳۴۴
ضریب تعیین	۰/۷۶۰۹۸۰		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰۹۷۲۸		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۲/۰۰۷۲۳۰		

۴-۲-۳- نتایج آزمون فرضیه‌های مدل سوم: نتایج مدل رگرسیونی اثرات ثابت مکانی فرضیات فرعی مرتبط با فرضیه اصلی مدل سوم در نگاره ۶ منعکس شده است. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه‌های فرعی مدل سوم می‌توان استنباط نمود که تأثیر متغیرهای مستقل وضعیت نامطمئن مالیاتی و پاداش هیأت‌مدیره بر متغیر وابسته نسبت معافیت مالیاتی مثبت (۰/۰۲ و ۰/۰۱) و با توجه به احتمالات آماره t (۰/۰۰۰ و ۰/۰۱۳۵) معنی‌دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که این ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیم دارند. چون که قبلاً گفته شد نسبت معافیت مالیاتی معیار مستقیم اجتناب از مالیات می‌باشد. همچنین ضریب رگرسیونی مثبت (۰/۰۳۱) متغیر مستقل ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره با وجودی که احتمال آماره t آن برابر با ۰/۰۱۶۱ و بنابراین معنی‌دار است، اما برخلاف فرضیه مطرح شده دارای تأثیر معکوس بر اجتناب از مالیات نمی‌باشد. دیگر نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت دارایی‌های

ثابت و نسبت بازده دارایی‌ها بر نسبت معافیت مالیاتی است. نتایج آماره F نشان می‌دهد که مدل سوم به‌طور کلی معنی‌دار می‌باشد و همچنین با توجه به نتایج آزمون دوربین و اتسون مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است. علاوه بر آن، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۸۱/۶٪ از تغییرات متغیر وابسته نسبت معافیت مالیاتی تحت تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره و متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت دارایی‌های ثابت و نسبت بازده دارایی‌ها می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده در رابطه با فرضیه فرعی اول تأثیر مثبت و معنی‌دار متغیر وضعیت نامطمئن مالیاتی بر نسبت معافیت مالیاتی با فرضیه مطرح شده همخوانی دارد و در نتیجه فرضیه فرعی اول مورد تأیید می‌باشد. همچنین متغیر پاداش هیأت‌مدیره بر نسبت معافیت مالیاتی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد، لذا فرضیه فرعی دوم نیز مورد تأیید می‌باشد. اما با توجه به اینکه تأثیر مثبت و معنی‌دار متغیر ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره بر نسبت معافیت مالیاتی با فرضیه فرعی سوم مطرح شده مطابقت ندارد بنابراین فرضیه فرعی سوم مورد تأیید واقع نمی‌شود.

نگاره ۶. نتایج برآورد مدل سوم بر اساس متغیر نسبت معافیت مالیاتی

متغیر	ضرایب رگرسیونی	آماره t	احتمال
افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی	۰/۰۲۲۲۶۲	۴/۹۵۰۶۶۵	۰/۰۰۰۰
پاداش هیأت‌مدیره	۰/۰۱۵۷۴۸	۲/۴۷۸۶۶۸	۰/۰۱۳۵
ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره	۰/۰۳۱۰۹۴	۲/۴۱۳۸۰۴	۰/۰۱۶۱
اندازه شرکت	۰/۳۰۱۸۷۷	۲/۲۸۵۸۶۸	۰/۰۲۲۷
اهرم مالی	۰/۱۶۵۳۲۹	۳/۴۲۴۹۴۰	۰/۰۰۰۷
نسبت دارایی‌های ثابت	۰/۰۴۲۹۷۰	۱/۹۹۳۳۸۴	۰/۰۴۶۷
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۲۲۴۲۳۹	۷/۷۳۸۹۲۲	۰/۰۰۰۰
ضریب ثابت	-۰/۲۷۲۳۳۵	-۱/۸۳۱۳۳	۰/۰۶۷۶
ضریب تعیین	۰/۸۴۹۲۵۲		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۱۶۹۲۸		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰۰۰		
آماره دوربین و اتسون	۱/۹۱۵۶۵۹		

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش بررسی تأثیر نقش و انگیزه هیأت‌مدیره در اجتناب از مالیات بود. این هدف بر اساس عقیده نظریه‌پردازانی است که بر این باورند که اعضای هیأت‌مدیره تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر برنامه‌ریزی مالیات شرکت‌ها و به عبارتی اجتناب از مالیات آن‌ها دارند. بنابراین در این پژوهش تأثیر نقش و انگیزه هیأت‌مدیره بر مسأله اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت. بدین لحاظ تأثیر چندین نقش هیأت‌مدیره شرکت‌ها شامل افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی، پاداش هیأت‌مدیره و ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره بر اجتناب از مالیات بررسی گردید.

بر اساس یافته‌های مطالعات قبلی انتظار می‌رود که چنانچه مدیریت یک شرکت با عدم اطمینان و قطعیت مالیاتی مواجه شود برآوردهای غیرقطعی خود نسبت به بدهی یا طلب مالیاتی فعلی را در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی افشاء نماید (به‌عنوان مثال پیش‌بینی نسبت به مالیات‌هایی که هنوز قطعی نشده‌اند و یا پیش‌بینی نسبت به استرداد مالیات توسط اداره مالیاتی). زمانی که یک شرکت وضعیت عدم قطعیت را افشاء می‌کند این مسأله بیانگر یک خطر مالیاتی می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی بر اساس دو معیار نرخ مؤثر مالیات و نسبت معافیت مالیاتی تأثیر مثبت معنی‌داری بر اجتناب از مالیات دارد. این موضوع حاکی از آن است که زمانی که هیأت‌مدیره و مدیران وضعیت نامطمئن مالیاتی را افشاء می‌کنند، این به منزله احساس خطر مالیاتی و عدم تطابق مالیات ابرازی شرکت و مالیات قطعی سازمان مالیاتی می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های تایلور و ریچاردسون (۲۰۱۴)، میلز و همکاران (۲۰۱۰) و رگو و ویلسون (۲۰۱۲) مطابقت دارد.

تمایل مدیران به اجتناب از مالیات بواسطه‌ی انگیزه‌های پاداش تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افزایش پاداش به هم‌راستاسازی انگیزه‌های نماینده و مالک در چارچوب نمایندگی کمک می‌کند و این باعث تحریک مدیریت به انجام تصمیمات سرمایه‌گذاری، امور مالی و مالیاتی مخاطره‌آمیز می‌گردد. مدیران با پاداش‌های نقدی و مالکانه (پرداخت مبتنی بر سهم و حق اختیار) انگیزه دارند که سود پس از کسر مالیات را برای سهامداران و شرکت افزایش دهند، و یکی از مؤثرترین راه‌ها برای دستیابی به آن کاهش میزان هزینه مالیات بر درآمد شرکت است. پاداش مبتنی بر عملکرد انگیزه کافی را در مدیران ایجاد می‌کند که برای دستیابی به پاداش مناسب، فعالیت‌های مالیاتی تهاجمی و مخاطره‌آمیز انجام دهند که به‌طور معمول به اجتناب از مالیات منجر شود. نتایج پژوهش حاضر در این ارتباط نشان داد که متغیر پاداش هیأت‌مدیره نیز بر اساس دو معیار نرخ مؤثر مالیات و نسبت معافیت مالیاتی تأثیر مثبت معنی‌داری بر اجتناب از مالیات دارد. این نتیجه تأییدی بر فرضیه پاداش می‌باشد، بدین معنی که مدیران با انگیزه افزایش پاداش به دنبال راه‌های اجتناب از مالیات هستند. نتایج این پژوهش در این رابطه مطابق با پژوهش‌های انجام شده توسط دسای و دارمپالا (۲۰۰۶)، مینیک و نوگا (۲۰۱۰)، رگو و ویلسون (۲۰۱۲)، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد.

در مورد اثر ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره هر چند که بر اساس یافته‌های پژوهش‌های قبلی انتظار می‌رود زنان بواسطه‌ی این که نسبت به مردان در حوزه‌های اقتصادی خاص در معرض خطر بیشتری هستند، و همچنین بدین لحاظ که کمتر درگیر رفتارهای غیراخلاقی هستند سطوح بالاتری از قوانین مالیاتی را رعایت کنند و موجب توقف برنامه‌ریزی مالیاتی در داخل شرکت گردند، اما نتایج حاصله از این پژوهش بیان‌گر آن است که ترکیب جنسیت هیأت‌مدیره بر اساس فقط معیار نسبت معافیت مالیاتی اثر معنی‌داری بر اجتناب از مالیات دارد، که البته این تأثیر نیز هم‌جهت با فرضیه مطرح شده نیست. این موضوع می‌تواند بر نقش غالب اعضای مرد در معدود شرکت‌های ایرانی دارای ترکیب

جنسیتی در اعضای هیأت‌مدیره دلالت داشته باشد. این یافته مغایر با نتایج حاصله از پژوهش‌های علیانی و زارای (۲۰۱۲)، کاستلانگر و همکاران (۲۰۱۰) می‌باشد.

دیگر نتایج حاکی از تأثیر مثبت معنی‌دار اندازه شرکت بر اجتناب از مالیات می‌باشد. این مسأله با فرضیه سیاسی مطابقت دارد. بدین معنی که شرکت‌های بزرگ بورسی تمایل بیشتری به اجتناب از مالیات دارند. این با نتایج پژوهش پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) و رضایی و جعفری (۱۳۹۴) و خواجوی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد.

متغیر تراکم سرمایه‌بری با اجتناب از مالیات رابطه مثبت معنی‌دار دارد. این موضوع حاکی از آن است که شرکت‌های ایرانی با انعکاس دارایی‌های ثابت بیشتر و در نتیجه هزینه‌های استهلاک بیشتر قصد دارند اجتناب از مالیات داشته باشند.

متغیر اهرم مالی بر اساس معیار نرخ مؤثر مالیاتی و نسبت معافیت مالیاتی رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار با اجتناب از مالیات دارد. این نشان می‌دهد که شرکت‌های بورسی ایران در جهت مقاصد مالیاتی کمتر از رویکرد اهرم مالی استفاده می‌کنند. اما متغیر اهرم مالی بر اساس معیار نسبت مالیات نقدی پرداختی رابطه منفی و معکوس با اجتناب از مالیات دارند. این یافته با نتایج پژوهش مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) و حسنی الفار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) مطابقت دارد. این موضوع می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که شرکت‌های بورسی ایران بیشتر به جهت پرداخت بدهی‌های مالیاتی از اهرم مالی استفاده می‌کنند نه به قصد صرفه‌جویی مالیاتی.

همچنین نسبت بازده دارایی‌ها بر اساس معیار نرخ مؤثر مالیات بر اجتناب از مالیات تأثیر منفی معنی‌دار دارد.

بنا بر نتایج حاصله از انجام پژوهش پیشنهاد می‌گردد که کارشناسان مالیاتی هنگام رسیدگی به مالیات شرکت‌ها به وضعیت عدم اطمینان گزارش شده مرتبط با مالیات در صورت‌های مالی جهت سنجش ماهیت اقدامات تهاجمی مالیات توجه بیشتری نمایند. همچنین سازمان امور مالیاتی شرکت‌ها را ملزم به گزارش‌گری شفاف وضعیت‌های مالیاتی نامشخص و مالیات پرداختی نماید. از سوی دیگر به سرمایه‌گذاران توصیه می‌گردد به افشای وضعیت‌های نامطمئن و نامشخص مالیاتی در گزارشات مالی شرکت‌ها تمرکز بیشتری داشته باشند تا از علایم خروج وجه نقد بواسطه قطعیت یافتن بدهی‌های مالیاتی آگاهی یابند و بهتر بتوانند جریان‌ات نقدی آتی شرکت و در نتیجه احتمال افزایش قیمت سهام را پیش‌بینی نمایند. شرکت‌ها نیز می‌بایست جهت بهبود کیفیت افشای مربوط به مالیات در راستای تقویت سیستم‌های اطلاعاتی خود و نرخ دسترسی به آن گام بردارند. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان‌های امور مالیاتی و حسابرسی، مواد قانونی و استانداردهای خود را همگام‌تر و منطبق با یکدیگر ارائه نمایند تا شکاف بین مالیات ابرازی و قطعی حذف گردد. در نهایت در خصوص بهبود شفافیت افشای مالیاتی پیشنهاد بر این است که قوانینی در جهت تهیه صورت تطبیق سود حسابداری و سود مشمول مالیات در یادداشت مالیات تصویب گردد.

- و همچنین می‌توان پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی به شرح زیر مطرح نمود:
- ۱- بررسی تأثیر سایر ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر اجتناب از مالیات از قبیل اثر استقلال اعضای هیأت‌مدیره و استقلال مدیرعامل از رئیس هیأت‌مدیره، تأثیر کمیته‌های هیأت‌مدیره و همچنین اثر تخصص و دانش مالیاتی و وابستگی مالیاتی اعضای هیأت‌مدیره
 - ۲- انجام پژوهش بر اساس سایر متغیرهای وابسته مثل تفاوت دفتری مالیات
 - ۳- بررسی تفاوت ضرایب و نتایج در سطح صنایع مختلف به تفکیک
 - ۴- استفاده از متغیرهای موهومی و یا استفاده از الگوهای رگرسیونی آرج^{۵۳} جهت نرمال نمودن داده‌ها

همانند سایر پژوهش‌ها، این پژوهش نیز در اجرا دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر بوده است:

- ۱- محدودیت اصلی این مقاله عدم توانایی استفاده از معیارهای دراز مدت برای اجتناب از پرداخت مالیات است، زیرا این مطالعه بر اساس داده‌های ترکیبی است و نرخ مؤثر مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات سالانه را اندازه‌گیری می‌کند و قادر به حذف نوسانات سال به سال نیست.
- ۲- افشای وضعیت نامشخص و نامطمئن مالیاتی در تمام شرکت‌ها صورت نگرفته است و بنابراین اطلاعات محدود بود و جمع‌آوری آن با دشواری صورت گرفت.
- ۳- با توجه به پیشنهادات ارائه شده مبتنی بر پژوهش حاضر، سهامداران ممکن است اجتناب از پرداخت مالیات را ترجیح دهند، زیرا منجر به افزایش ثروت آن‌ها می‌گردد، بنابراین می‌بایست احتیاط لازم به عمل آید.

یادداشت‌ها

- | | |
|--|-----------------------------|
| 1-Zimmerman | 28- Duan et al |
| 2- Wang | 29- Standard & Poor's 500 |
| 3- Stickney and McGee | 30- Ticker |
| 4- Hanlon | 31- Search volume index |
| 5- Rego | 32- Jacob |
| 6- Wilson | 33- Zemzem and Ftouhi |
| 7- Aliani and Zarai | 34- Gaertner |
| 8- Dyreng et al | 35- Omer et al |
| 9- Aggressive tax planning | 36- Wilkie and Limberg |
| 10- Taylor and Richardson | 37- Effective tax rate |
| 11- Lanis and Richardson | 38- Cash effective tax rate |
| 12- Minnick and Noga | 39- Exemption tax ratio |
| 13- Tax burden | 40- Chen et al |
| 14- Arlen and Weiss | 41- McGuire et al |
| 15- Van der pilos | 42- Manzon and Plesko |
| 16- Uncertainty over a firm's tax position | 43- Size |

- | | |
|--------------------------|--------------------------------|
| 17- Mills et al | 44- Leverage |
| 18- Lisowsky et al | 45- Return On Assets |
| 19- Mills and Newberry | 46- Capital intensity |
| 20- Phillips | 47- Collinearity |
| 21- Desai and Dharmapala | 48- Heteroskedasticity |
| 22- Armstrong et al | 49- Normality of errors |
| 23- Diversity of gender | 50- Variance inflation factors |
| 24- Jackson and Jaouen | 51- White's test |
| 25- Siciliano | 52- Pooled/Panel |
| 26- Crozon and Gneezy | 53- ARCH |
| 27- Kastlunger et al | |

کتابنامه

۱. افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، تهران، انتشارات ترمه.
۲. پورحیدری، امید و سروستانی، امیر. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات: ۲۰ (۱۴): ۶۱-۷۷.
۳. پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن و امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش اقتصادی: ۱۴ (۵۲): ۶۹-۸۵.
۴. پورزمانی، زهرا و شمس‌جامخانه، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی غرب تهران)، فصلنامه تخصصی مالیات: ۱۷ (۵): ۹-۲۶.
۵. تحریری، آرش و خوئینی، مهین. (۱۳۹۶). کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی: ۴ (۱): ۱۰۱-۱۲۰.
۶. حسنی القار، مسعود و شعری آناقیز، صابر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، مجله دانش حسابداری: ۸ (۱): ۱۰۷-۱۳۴.
۷. حسینی کندلجی، میرهادی و همکاران. (۱۳۹۵). سنجش اخلاق مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی: ۲۴ (۷۸): ۷-۳۰.
۸. خدای‌پور، احمد و بزرایی، یونس. (۱۳۹۴). تأثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات: ۲۳ (۲۷): ۲۱۱-۲۲۷.

۹. خواجوی، شکراله؛ ممتازیان، علیرضا و دهقانی سعدی، علی اصغر. (۱۳۹۵). بررسی اثرگذاری قابلیت‌های مدیران بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها، *مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی*: ۳ (۳): ۲۳-۴۵.
۱۰. رضایی، فرزین؛ کردستانی، غلامرضا و شهری، محسن. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها، *پژوهشنامه مالیات*: ۲۲ (۲۴): ۱۷۵-۲۰۰.
۱۱. مشایخی، بیتا و علی‌پناه، صبری. (۱۳۹۳). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*: ۷ (۲۵): ۴۹-۶۴.
۱۲. مهرانی، ساسان و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مالیات بر درآمد حسابداری محافظه-کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، *فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*: ۳ (۱۰): ۱۳-۳۳.

13. Aliani, K., Zarai, M. A. (2012). The board of directors and the corporate tax planning: Empirical Evidence from Tunisia, *International Journal of Accounting and Financial Reporting*: 2(2):142-157.
14. Arlen, J., Weiss, D. (1995). A political theory of corporate taxation. *Yale Law Journal*: 105 (2): 325-390.
15. Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Larcker, D.F. (2012). The incentives for tax planning. *J. Account. Econ*: 53 (1-2): 391-411.
16. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *J. Financ. Econ*: 95 (1): 41-61.
17. Crozon, R. & Gneezy, U. (2008). Gender Differences in Preferences. *Journal of Economic Literature*: 47(2): 448-474.
18. Desai, M.A., Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *J. Financ. Econ*: 79 (1): 145-179.
19. Desai, M.A., Foley, C.F., Hines, J.R. (2006). The demand for tax haven operations. *J. Public Econ*: 90 (3): 513-531.
20. Duan, Tinghua; Ding, Rong; Hou, Wenxuan; Zhang, Ziyang. (2018). The burden of attention : CEO publicity and tax avoidance. *Journal of Business Research*: 87: 90-101.
21. Dyreng, S., Hanlon M. & Maydew E. (2008). Long run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*: 83 (1): 61-82.
22. Dyreng, S., Hanlon M. & Maydew E. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance, *The Accounting Review*: 85 (4): 1163-1189.
23. Gaertner, F.B. (2013). CEO After-tax Compensation Incentives and Corporate Tax Avoidance. Working Paper, Nanyang Business School, Nanyang Technological University, Singapore.
24. Grant Richardson, Grantley Taylor, Roman Lanis. (2016). Women on the board of directors and corporate tax aggressiveness in Australia: An empirical analysis. *Accounting Research Journal*: 29 (3): 313-331.

25. Hanlon, M. (2005). The persistence and pricing of earnings, accruals, and cash flows when firms have book-tax differences. *Account. Rev*: 80 (1): 137–166.
26. Jackson, B., & Jaouen, P. (1989). Influencing taxpayer compliance through sanction threat or appeals to conscience. *Advanced Taxation*: (2): 131–147.
27. Jacob, F. (2014). An empirical study of tax evasion and tax avoidance: A critical issue in Nigeria economic development. *Journal of Economics and Sustainable Development*: 5(18): 22–26.
28. Julie I. Siciliano. (1996). The relationship of board member diversity to organizational performance. *Journal of Business Ethics*: 15 (12): 1313-1320.
29. Kastlunger, B., Dressler, S., Kirchler, E., Mittone, L. & Voracek, M. (2010). Sex differences in tax compliance: Differentiating between demographic sex, gender-role orientation, and prenatal masculinization (2D:4D). *Journal of economic psychology*: 31 (4): 542-552.
30. Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*: 33 (3): 375–400.
31. Lanis, R., Richardson, G. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of accounting and Public Policy*: 30 (1): 50-70.
32. Lisowsky, P. (2007). Inferring U.S. Tax Liability from Financial Statement Information. Working Paper, Boston University.
33. Lisowsky, P. Robinson, L. & Schmidt, A. (2010). An examination of FIN 48: tax shelters, auditor independence, and corporate governance. Working Paper, University of Illinois.
34. Lisowsky, P., Robinson, L., Schmidt, A. (2013). Do publicly disclosed tax reserves tell us about privately disclosed tax shelter activity? *J. Account. Res*: 51 (3): 583–629.
35. Manzon, G., Plesko, G. (2002). The relation between financial and tax reporting measures of income. *Tax Law Rev*: 55 (2): 175–214.
36. McGuire, S.T., Omer, T.C., Wang, D. (2012). Tax avoidance: does tax-specific industry expertise make a difference? *Account. Rev*: 87 (3): 975–1003.
37. Mills, L., Robinson, L., Sansing, R. (2010). FIN 48 and tax compliance. *Account. Rev*: 85 (5): 1721–1742.
38. Mills, L.F., Newberry, K.J. (2005). Firms' off-balance sheet and hybrid debt financing: evidence from their book-tax reporting differences. *J. Account. Res*: 43(2): 251–281.
39. Minnick, K., Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management?. *Journal of corporate finance*: 16 (5): 703-718.
40. Omer, T.Z., Molloy, K.H. & Ziebart, D.A. (1993). An investigation of the firm size/effective tax rate relationship in the 1980s. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*: 8(2): 167–182.
41. Phillips, J. (2003). Corporate tax planning effectiveness: the role of compensation-based incentives. *Account. Rev*: 78 (3): 847–874.

42. Rego, S., Wilson, R. (2012). Equity risk and corporate tax aggressiveness. *J. Account. Res.*: 50 (3): 775–810.
43. Rego, S.O. (2003). Tax-avoidance activities of U.S. multinational corporations. *Contemp. Account. Res.*: 20 (4): 805–833.
44. Stickney, C., McGee, V. (1982). Effective corporate tax rates: the effect of size, capital intensity, leverage, and other factors. *J. Account. Public Policy*: 1 (2): 125–152.
45. Taylor, G., Richardson, G. (2012). International corporate tax avoidance practices: evidence from Australian firms. *Int. J. Account*: 47 (4): 469–496.
46. Taylor, G., Richardson, G. (2014). Incentives for corporate tax planning and reporting: Empirical evidence from Australia, *Journal of Contemporary Accounting and Economics*: 10 (1): 1–15.
47. Van Der Pilos, Nina. (2017). Tax Avoidance and Corporate Governance. Does the board of directors influence tax avoidance? Unpublished master's Thesis. Erasmus School of Economics.
48. Wang, S. (1991). The relation between firm size and effective tax rates: a test of firms' political success. *The Accounting Review*: 66 (1): 58–169.
49. Wilkie, P., Limberg, S. (1993). Measuring explicit tax (dis)advantage for corporate taxpayers: an alternative to average effective tax rate. *The Journal of the American Tax Association*: 15 (1): 46–71.
50. Wilson, R. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The accounting Review*: 84 (3): 969-999.
51. Wilson, R. (2010). Discussion of “credit ratings and taxes: the effect of book-tax differences on ratings changes”, *Contemp. Account. Res.*: 27 (2): 403–411.

52. Zemzem, A., Ftouhi, K. (2013). The effects of board of directors' characteristics on tax aggressiveness, *Research Journal of Finance and Accounting*: 4(4): 140-147.
53. Zimmerman, J. (1983). Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting and Economics*: 5 (1): 119-149.